

ایمنی هیجانی در خانواده، ارزیابی شناختی کودک از تعارض والدین و نشانه‌های آسیب‌شناختی کودک: بررسی سازوکارهای تعدیل‌کننده

فاطمه قره‌باغی^۱، دکتر مریم آگیلار-وفاهی^۲، دکتر عباسعلی الهیاری^۳

Children's Appraisal of Interparental Conflict, and their Psychopathological Symptoms: An Investigation of Mediating and Moderating Mechanisms

Fatemeh Gharehbaghy^{*}, Maryam Aguilar-Vafaie^², Abbas Ali Allahyary^³

Abstract

Objectives: The present study represents an attempt to explain the mechanisms by which, parental conflict, a stressful life event in children's lives, may have an impact on children's psychological health. For this purpose, besides examining predictive relationships between independent and criterion variables, we also evaluated the mediating and moderating interactions of three important variables, children's appraisals of parental conflict and emotional security in the family and their emotional coping strategies, indicative of perceived insecurity in the family, in the prediction of children's psychopathological symptoms. **Method:** This research used a stratified random sampling procedure with 413 fifth-grade primary school-children in the city of Tehran (220 girls & 193 boys). To assess children's perceived emotional security in the family, their emotional coping strategies and their perception of parental conflict, the Security In the Family System (SIFS) Scale and the Children's Perception of Interparental Conflict (CPIC) Scale was administered to them. To assess children's affective and behavioral difficulties, mothers and teachers answered the Strengths and Difficulties Questionnaire (SDQ). **Results:** Findings reveal a significant relationship between the children's feeling of insecurity in the family as well as children's appraisal of interparental conflicts on children's affective and behavioral symptoms ($p < 0.01$). In addition, the mediating role of appraisal in the relation between emotional security and affective symptoms, the mediating role of the emotional reaction in relation to conflict appraisal with the psychopathological symptoms of the child, as well as the interactional role of emotional insecurity and child appraisal of parental conflicts, were

چکیده

هدف: پژوهش حاضر با هدف تبیین سازوکارهایی که از آن طریق کشمکش‌های والدین بر سلامت روانی کودک اثر می‌گذرانند، انجام شد و نقش تعدیل‌کننده سه متغیر مهم ارزیابی کودک از کشمکش‌های والدین، ایمنی هیجانی در خانواده و راهکارهای مقابله هیجان‌مدار کودک در پیش‌بینی نشانه‌های آسیب‌شناختی هیجانی و رفتاری وی بررسی گردید. **روش:** این بررسی مقطعی روی یک نمونه ۴۱۳ نفری از کودکان پنجم ابتدایی شهر تهران (۲۲۰ دختر و ۱۹۳ پسر) که به کمک روش نمونه‌گیری طبقه‌ای-تصادفی نسبتی انتخاب شده بودند، انجام شد. کودکان به پرسش‌نامه ایمنی در سیستم خانواده و پرسش‌نامه ادراک کودک از تعارض والدین پاسخ دادند. برای سنجش مشکلات هیجانی و رفتاری کودک نیز مادران و آموزگاران، زیرمقیاس مشکلات از پرسش‌نامه توانایی‌ها و مشکلات کودک را تکمیل نمودند. **یافته‌ها:** رابطه بین احساس ناایمنی هیجانی کودک در خانواده و ارزیابی کودک از کشمکش‌های والدین با مشکلات رفتاری و هیجانی کودکان معنی‌دار بود ($p < 0/01$). افزون بر این، نقش واسطه‌ای ارزیابی تعارض در رابطه میان ایمنی هیجانی با مشکلات عاطفی کودک، نقش واسطه‌ای مقابله هیجان‌مدار کودک در رابطه میان ارزیابی تعارض با نشانه‌های آسیب‌شناختی کودک و همچنین نقش تعاملی ناایمنی هیجانی و ارزیابی کودک از ویژگی‌های کشمکش والدین در مشکلات رفتاری کودک، مورد تأیید قرار گرفت. **نتیجه‌گیری:** یافته‌های این پژوهش بیانگر نقش ایمنی هیجانی خانواده به‌عنوان یک عامل محافظ محیطی و نقش ارزیابی شناختی کودک از کشمکش‌های والدین به‌عنوان یک

^۱کاووشناسی ارشد، روانشناسی، دانشگاه تربیت مدرس، تهران، بزرگراه جلال آل احمد، دانشگاه تربیت مدرس، دورنگار: ۰۲۱-۶۶۹۷۳۵۰۰ (نویسنده مسئول).

E-mail: fagh_1977@yahoo.com^۲؛ دکترای علوم بوم‌شناختی انسان، دانشیار دانشگاه تربیت مدرس؛^۳ دکترای روانشناسی، استادیار دانشگاه تربیت مدرس.

* Corresponding author: MS. in Psychology, Tarbiat Modares University, Jalale Ale Ahmud St., Tarbiat Modares University, Tehran, Iran, IR. Fax: +9821-66973500. E-mail: fagh_1977@yahoo.com; ^² Ph.D. in Human Environmental Sciences, Associate Prof. of Tarbiat Modares University; ^³ Ph.D. in Psychology, Assistant Prof. of Tarbiat Modares University.

confirmed. **Conclusion:** Results indicate that in the context of parental conflict, children's appraisal of interparental conflict is a risk or vulnerability factor and family emotional security is a protective factor for children's psychopathological symptoms.

Key words: interparental conflict; behavior; psychopathological symptoms

[Received: 15 December 2007; Accepted: 7 April 2008]

عامل خطر دوقولی، در کاهش و افزایش نشانه‌های آسیب‌شناختی عاطفی و رفتاری کودکان است.

کلیدواژه: کشمکش میان والدین؛ استرس - ارزیابی - مقابله؛ ایمنی هیجانی در خانواده؛ نشانه‌های آسیب‌شناختی هیجانی - رفتاری

[دریافت مقاله: ۱۳۸۶/۹/۲۴؛ پذیرش مقاله: ۱۳۸۷/۱/۱۹]

مقدمه

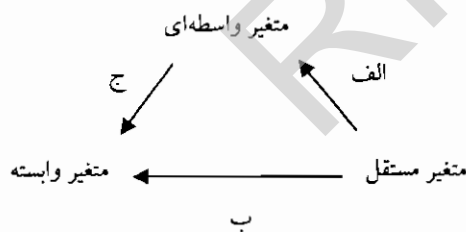
کودکان در فرآیند رشد خود از بافت خانواده، تأثیر می‌پذیرند اما پذیرنده‌های منفعل رفتارهای والدینی نیستند (کامینگز^۱، دیویس^۲ و کمپبل^۳، ۲۰۰۰). یکی از الگوهای نظری که به دنبال درک اثرات کشمکش میان والدین بر کودکان، با تأکید بر فرآیندهای شناختی و هیجانی به عنوان واسطه‌ها است، الگویی است که گریچ^۴ و فینچام^۵ (۱۹۹۰) معرفی کرده‌اند. در الگوی شناختی مبتنی بر بافت^۶، ارزیابی‌های کودک از کشمکش والدین نقش مهمی در تفسیر کشمکش‌ها و ناسازگاری‌های کودک دارند. به باور فوسکو^۷ و گریچ (۲۰۰۷) عوامل بافتی^۸، یعنی عواملی که فرآیند ارزیابی را تحت تأثیر قرار می‌دهند، هم‌چون ویژگی‌های تعارض (مانند محتوا و حل مسأله)، عوامل خانواده (مانند جو هیجانی خانواده) و ویژگی‌های کودک (مانند خلق، سن و جنس) کمتر شناخته شده‌اند. در این الگو با الهام از الگوی مبادله‌ای استرس^۹ لازاروس^{۱۰} و فولکمن^{۱۱} (۱۹۸۹)، لازاروس و لاینر^{۱۲} (۱۹۷۸) ارزیابی شناختی به صورت فرآیندی در دو مرحله در نظر گرفته می‌شود. ارزیابی نخستین^{۱۳} فرآیند درک معنای رویداد استرس‌زا و ارزیابی دوم^{۱۴} پس از ارزیابی رویداد به عنوان تهدید یا چالش رخ می‌دهد و در آن، فرد به بررسی منابع و امکانات فردی و اجتماعی خود برای مقابله^{۱۵} می‌پردازد. به این ترتیب، ارزیابی‌های کودک، تفسیرهای ذهنی او از تعامل والدین و درک علت‌ها، پیامد کشمکش‌های والدین هستند. بررسی‌ها از نقش واسطه‌ای ارزیابی‌های کودکان، در رابطه تعارضات میان والدین با نشانه‌های افسردگی، اضطراب و پرخاشگری در کودکان حمایت کرده‌اند (گریچ، هارولد^{۱۶} و مایلز^{۱۷}، ۲۰۰۳). یک عامل بافتی، کارکردها و نیرمخ‌های خانواده است. نظریه نظام‌های خانواده^{۱۸} مشکلات میان والدین را به عنوان تهدیدهایی مهم برای یکپارچگی کل خانواده می‌شمارد (امری^{۱۹}، فینچام و کامینگز، ۱۹۹۲). اصل کلیدی این نظریه، اصل کل گرابی^{۲۰} و مفهوم نظام خانواده به عنوان یک کل

سازمان یافته با بخش‌های وابسته به هم است، به طوری که تأثیر روابط والدین و سبک‌های فرزندپروری آنها بر کارکردهای کودک، هنگامی به طور کامل درک می‌شود که در بافت تجربه‌های گروهی خانواده به عنوان یک کل در نظر گرفته شود (میکلینر^{۲۱}، فلورین^{۲۲}، کووان^{۲۳} و کووان^{۲۴}، ۲۰۰۲). در این نظریه خانواده، یک نظام گروهی در پیوند با هم و وابسته به هم به شمار می‌رود و هیچ کدام از آنها جدا از این نظام قابل درک نیست. برونفنبرنر^{۲۵} (۱۹۹۵) در نظریه نظام‌های بوم‌شناختی^{۲۶} پاسخ‌های اعضای خانواده را در پیوند با هم می‌داند. او شخص را به صورتی در نظر می‌گیرد که در یک نظام پیچیده از روابط رشد می‌کند، به طوری که چندین سطح از محیط اطراف بر او اثر می‌گذارند. در این الگو تعاملات رفتاری میان همسران، یکی از ابزارهای مهم تأثیرگذار بر رشد روانی کودکان به شمار می‌رود.

برخی از پژوهشگران (برای نمونه، دیویس و کامینگز، ۱۹۹۸) به بررسی نقش کل نظام خانواده در رشد مشکلات آسیب‌شناختی کودکان پرداخته‌اند. دیویس و کامینگز (همان‌جا) در نظریه ایمنی هیجانی^{۲۷} (EST) اصول نظریه نظام‌های خانواده و نظریه دلبستگی (بالبی^{۲۸}، ۱۹۶۹) را می‌پذیرند و بر نیاز کودک برای حفظ احساس ایمنی در رابطه میان کودک و والدین تأکید می‌کنند، اما ایمنی را نیازی در سایر بافت‌های خانواده از جمله در رابطه میان پدر و مادر نیز

- | | |
|-----------------------------------|-------------------------------|
| 1- Cummings | 2- Davies |
| 3- Campbell | 4- Grych |
| 5- Fincham | |
| 6- cognitive contextual framework | |
| 7- Fosco | 8- contextual factors |
| 9- transactional theory of stress | |
| 10- Lazarus | 11- Folkman |
| 12- Launier | 13- primary appraisal |
| 14- secondary appraisal | 15- coping |
| 16- Harold | 17- Miles |
| 18- family systems theory | 19- Emery |
| 20- principle of holism | 21- Mikulincer |
| 22- Florian | 23- Cowan |
| 24- Bronfenbrenner | 25- ecological systems theory |
| 26- emotional security theory | |
| 27- Bowlby | |

کودکان توضیح می‌دهند. اهمیت الگوهای واسطه‌ای، تعیین روابط خاص «علی و زمانی» بین یک متغیر پیش‌بینی‌کننده، متغیر واسطه و متغیر برون‌داد است (بارون^{۱۹} و کنی^{۲۰}، ۱۹۸۶؛ هولمبک^{۲۱}، ۱۹۹۷). برای آزمودن اثر متغیر واسطه‌ای، مجموعه‌ای از الگوهای رگرسیون باید برآورد شوند (جاد^{۲۲} و کنی^{۲۳}، ۱۹۸۱: ۱) در معادله اول متغیر پیش‌بینی باید پیش‌بینی‌کننده متغیر میانجی مفروض باشد (مسیر الف وجود داشته باشد)، (۲) در معادله دوم متغیر پیش‌بینی باید پیش‌بینی‌کننده متغیر ملاک باشد (مسیر ب وجود داشته باشد)، (۳) در معادله سوم متغیر میانجی مفروض باید پیش‌بینی‌کننده متغیر ملاک باشد (مسیر ج وجود داشته باشد) (شکل ۱). اگر این سه شرط در جهت پیش‌بینی شده تأیید شوند، سپس تأثیر متغیر پیش‌بینی بر ملاک باید در معادله چهارم یا آزمون میانجی در مقایسه با معادله دوم کمتر شود یا از میان برود. متغیرهای تعدیل‌کننده^{۲۴} هم‌چون متغیرهای مستقل، همیشه بر متغیرهای وابسته تقدم دارند. برای تعیین نقش تعدیل‌کنندگی یک متغیر، نخست متغیر مستقل و تعدیل‌کننده و سپس تعامل یا حاصل ضرب این دو وارد تحلیل می‌شوند. اگر حاصل ضرب دو متغیر مستقل و تعدیل‌کننده معنی‌دار باشد، تعامل این دو معنی‌دار خواهد بود (گریچ، فینچام، جوریلز^{۲۵} و مک‌دونالد^{۲۶}، ۲۰۰۰) (شکل ۲).



شکل ۱- دیاگرام مسیر یک الگوی علی سه متغیری (بارون و کنی، ۱۹۸۶)

می‌دانند. به بیان دیگر، کودکان ممکن است در رابطه میان والدین نایمن باشند ولی در رابطه دلبستگی والد-کودک ایمن باشند و یا برعکس. در حمایت از این فرضیه، کامینگز، کوروس^۱ و پاپ^۲ (۲۰۰۷) نقش واسطه‌ای احساس نایمنی هیجانی کودک در خانواده را در رابطه میان کشمکش‌های زناشویی با مشکلات هیجانی- رفتاری کودک تأیید کردند. آنان نشان دادند که کشمکش‌های زناشویی به‌عنوان یک عامل استرس‌زا می‌تواند با کاهش احساس ایمنی هیجانی کودک، به مشکلات سازگاری کودک بیانجامد. ال-شیخ^۳، بوخهالت^۴، کلر^۵، کامینگز و آسبو^۶ (۲۰۰۷) نیز نشان دادند که احساس نایمنی هیجانی کودک، رابطه میان کشمکش‌های زناشویی و خواب کودکان را تبیین می‌کند و اختلال در کیفیت و مدت خواب کودکان نیز، ناسازگاری هیجانی- اجتماعی و عملکرد تحصیلی ضعیف آنها را به دنبال دارد. در همین ارتباط، می‌توان دو عامل ارزیابی شناختی منفی کودک از رابطه والدین و ایمنی هیجانی در خانواده را به‌عنوان عوامل خطر و محافظ در رابطه با مشکلات کودک نیز در نظر گرفت (ال-شیخ، بوخهالت، میز^۷ و آسبو، ۲۰۰۶). راتر^۸ (۱۹۹۷) در چارچوب رویکرد سیستمی در آسیب‌شناسی تحولی^۹ عنوان نمود که عوامل محافظ و خطر می‌توانند اثرات یکدیگر را خنثی کنند و یا از چندین منبع درونی و محیطی به‌طور هم‌زمان بر سازگاری فرد اثر بگذارند. به بیان دیگر، او مشکلات فرد را ناشی از عوامل خطری می‌داند که به‌صورت چندگانه و در تعامل با هم عمل می‌کنند. برخی از عوامل خطر، روانشناختی شامل ویژگی‌های شخصیتی منفی (کان^{۱۰}، کاری^{۱۱}، کورلی^{۱۲} و فولکر^{۱۳}، ۱۹۹۲) و زمینه‌های خلقی (مازید^{۱۴} و همکاران، ۱۹۹۰) هستند. برخی از عوامل خطر اجتماعی، از جمله استرس مزمن در خانواده در نتیجه فقر، طلاق، کشمکش‌های آشکار خانوادگی و روابط خانوادگی سرد، غیرحمایت‌گرانه و همراه با سهل‌انگاری دانسته شده‌اند (رسنیک^{۱۵}، ایرلند^{۱۶} و بوروسکی^{۱۷}، ۲۰۰۴). عوامل محافظ می‌توانند از بروز اختلال پیش‌گیری کنند (برای نمونه، کوی^{۱۸} و همکاران، ۱۹۹۳). چارچوب شناختی مبتنی بر بافت (گریچ و همکاران، ۲۰۰۳)، نظریه ایمنی هیجانی (کامینگز و همکاران، ۲۰۰۷) و رویکرد سیستم‌های تحولی در آسیب‌شناسی کودک (راتر، ۱۹۹۷)، رویکردهای فرآیندمداری هستند که بر نقش سازوکارهای واسطه‌ای تأکید دارند که چگونگی اثر تعارض والدین را بر کارکردهای

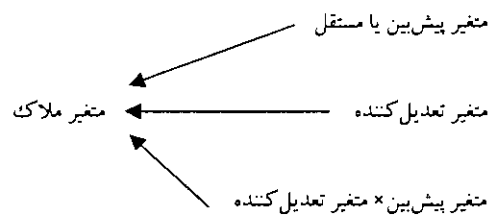
- | | |
|--------------------------------------|-------------------------|
| 1- Kourous | 2- Papp |
| 3- El-Sheikh | 4- Buckhalt |
| 5- Keller | 6- Acebo |
| 7- Mize | 8- Rutter |
| 9- developmental systems perspective | |
| 10- Coon | 11- Carey |
| 12- Corley | 13- Fulker |
| 14- Maziade | 15- Resnick |
| 16- Ireland | 17- Borowsky |
| 18- Coie | 19- Baron |
| 20- Kenny | 21- Holmbeck |
| 22- Judd | 23- moderator variables |
| 24- Jouriles | 25- McDonald |

بررسی به کمک روش رگرسیون، نقش تعدیل کننده ادراک کودک از تعارض والدین و ایمنی هیجانی کودک در خانواده در ارتباط با مشکلات هیجانی و رفتاری کودک بررسی شد. گفتنی است که برای اجرای این پژوهش، در آغاز مجوزهای لازم از اداره آموزش و پرورش کل تهران و مناطق مربوطه گرفته شد و پس از اعلام رضایت مدیران، آموزگاران و مادران دانش آموزان، پرسش نامه ها در اختیارشان قرار داده شد.

برای گردآوری داده های پژوهش ابزارهای زیر به کار برده شد:

الف) مقیاس ادراک کودکان از کشمکش میان والدین^۱ (CPIC): گریچ، سید^۲ و فینچام (۱۹۹۲) این مقیاس را بر پایه الگوی چارچوب شناختی مبتنی بر بافت، برای سنجش کشمکش های زناشویی از گزارش های کودکان، یعنی ویژگی های کشمکش یا ابعاد کشمکش والدین از دید کودک (دربرگیرنده مقیاس های تکرار، شدت، حل مسأله و محتوای کشمکش) و واکنش کودک به آنها یا تفسیر آنها (شامل احساس تهدید، کارآمدی مقابله و خودمقصری) برای گروه سنی ۱۰ سال و بالاتر طراحی کردند. این مقیاس دارای پنج پرسش است. هر پرسش نیز دارای سه گزینه (درست=۲، تقریباً درست=۱ و غلط= صفر) است و دامنه نمرات آن از صفر تا ۱۰۲ می تواند نوسان داشته باشد. نمره بالاتر نشان دهنده ویژگی های تعارض منفی تر (تعارض بیشتر و شدیدتر، حل تعارض ضعیف تر و ارتباط بیشتر محتوای کشمکش با موضوعات مربوط به کودک)، خودمقصری، احساس تهدید بیشتر و کارآمدی مقابله کمتر است. در پژوهش حاضر نمره های آلفای کرونباخ مقیاس های آن به شرح زیر بودند: جمع مقیاس ویژگی های تعارض ۰/۷۷، جمع مقیاس تفسیر تعارض ۰/۶۱ و ارزیابی تعارض یا جمع کل مقیاس ها ۰/۸۴. از آنجا که نمره های مقیاس ویژگی های تعارض، تفسیر تعارض و ارزیابی تعارض از میان مقیاس های CPIC، دارای منحنی هنجار بودند، برای کاهش شمار معادلات رگرسیون، این سه مقیاس برای تحلیل نتایج رگرسیون به کار برده شده است.

ب) مقیاس ایمنی در سیستم خانواده^۳ (SIFS): این مقیاس سبکی بر ارزیابی کودک از خانواده به عنوان منبع ایمنی است. فورمن و دیویس (۲۰۰۵) توانستند بر پایه نظریه ایمنی هیجانی و به کمک تحلیل عاملی، به سه بعد (مشغله ذهنی، کناره گیری و ایمنی) از سازه ایمنی هیجانی برسند. مشغله ذهنی^۴ یا



شکل ۲- دیاگرام مسیر برای الگوی متغیر تعدیل کننده (بارون و کئی، ۱۹۸۶)

با توجه به این زمینه نظری، فرضیه اول بررسی حاضر آن بوده که ارزیابی تعارض (به عنوان یک عامل خطر بالقوه واسطه ای) می تواند اثر محافظتی ایمنی هیجانی را در کاهش نشانه های آسیب شناختی کودک خنثی و یا کم کند. فرضیه دوم این پژوهش این بوده که ارزیابی منفی کودک از تعارض والدین باعث به راه انداختن راهکارهای مقابله ای ناکارآمد کودک و به کمک آن افزایش مشکلات آسیب شناختی روانی وی می گردد.

روش

برای گردآوری داده ها از شیوه نمونه گیری طبقه ای- تصادفی نسبتی بهره گرفته شد که در آن دانش آموزان سه منطقه آموزش و پرورش، یعنی مناطق چهار، هشت و ۱۷ ارزیابی شدند. جامعه آماری این پژوهش، ۹۳۰۷۸ دانش آموز پنجم ابتدایی شهر تهران با میانگین سنی ۱۰/۸۱ سال (دامنه سنی بین ۱۰/۰ تا ۱۲/۰) است. علت انتخاب این جامعه شواهدی بود مبنی بر این که اواخر کودکی و اوایل نوجوانی، مرحله آسیب پذیری در برابر رویدادهای استرس زای خانواده است (دیویس و کامینگز، ۱۹۹۴). برای اجرای بررسی، نخست از هر منطقه چند مدرسه ابتدایی به تصادف از لیست مدارس ابتدایی آموزش و پرورش انتخاب شدند و پس از آن از میان کلاس های پنجم این مدارس ۴۱۳ نفر از دانش آموزان (۲۲۰ دختر و ۱۹۳ پسر) به تصادف از لیست اسامی کلاس انتخاب شدند. پرسش نامه توانایی ها و مشکلات در اختیار مادران و آموزگاران آنها قرار گرفت و پرسش های مربوط به ارزیابی کودکان از کشمکش های والدین و ایمنی هیجانی در خانواده برای دانش آموزان خوانده شد تا بدین وسیله درک کودکان از مفهوم پرسش ها مورد اطمینان پژوهشگر قرار گیرد. بنابراین، داده ها در این بررسی از سه منبع دانش آموزان، مادران و آموزگاران گردآوری شدند. این پژوهش یک پژوهش همبستگی بوده و تحلیل رگرسیون برای بررسی ارتباطات مستقیم، و تعدیل کننده به کار برده شده است. در این

مقیاس به بررسی و جدا کردن کودکان در معرض خطر مشکلات سلامت روانی کمک می‌کند و همبستگی خوبی از نظر اعتبار تشخیصی با DSM-IV^۴ و ICD-10^۵ دارد (گودمن، ۱۹۹۷). وفایی و روشن (۱۳۸۵) نمره آلفای کرونباخ ۰/۸۴ برای مشکلات کودک و اعتبار درونی کل مقیاس را ۰/۴۳ گزارش نمودند. این پرسش‌نامه دارای پنج مقیاس مشکلات سلوک، نشانه‌های عاطفی، بیش‌فعالی-کمبود توجه، مشکلات با همسالان و رفتار نوع دوستی است. SDQ دارای ۲۵ پرسش است و ۲۵ ویژگی (۱۰ توانایی، ۱۴ مشکل و یک ویژگی خشی) را می‌سنجد. هر مقیاس دارای پنج پرسش سه گزینه‌ای (درست نیست= صفر، کمی درست است= ۱ و تماماً درست است= ۲) است. نمره رفتار نوع دوستی، نمره توانایی‌ها و جمع نمرات سایر ماده‌ها نمره مشکلات است. در پژوهش حاضر، مجموع مقیاس‌های بیش‌فعالی، مشکلات سلوک و مشکلات با همسالان به عنوان نشانه‌های رفتاری به کار برده شد که نمره آلفای کرونباخ آن ۰/۷۳ بود، در کنار نشانه‌های هیجانی شامل مجموعه‌ای از نشانه‌های افسردگی و اضطراب در کودک، نمره آلفای کرونباخ آن ۰/۶۲ بود. هم‌چنین آلفای کرونباخ مجموع کل مقیاس‌های نشانه‌های آسیب‌شناختی کودک در این بررسی ۰/۷۷ بود.

داده‌ها به کمک روش‌های آماری تحلیل رگرسیون استاندارد و تحلیل رگرسیون سلسله مراتبی تحلیل شدند.

یافته‌ها

جدول ۱ ویژگی‌های توصیفی متغیرهای این پژوهش و **جدول ۲** ماتریس همبستگی کل متغیرها را نشان می‌دهند. گفتنی است که در این‌جا تنها نتایج تحلیل رگرسیونی معنی‌دار، گزارش شده‌اند.

نگرانی‌های کودک درباره آینده و رفاه خود و خانواده (دارای هشت پرسش) و کناره‌گیری^۱ به معنای تلاش کودک برای رهاشدن از تعارضات خانواده و کوچک شمردن آنها (دارای هفت پرسش)، دو بعد نایمنی در خانواده و راهکارهای مقابله‌ای کودک برای تغییر دادن بازنمایی‌های او از نایمنی هیجانی در خانواده هستند و بخشی از سازوکار نگهداری ایمنی را می‌سازند. بعد سوم یا ایمنی (هفت پرسش)، عبارت است از اعتماد کودک به واحد خانواده به عنوان منبع حمایت و امنیت (فورمن و دیویس، ۲۰۰۵). SIFS برای سنجش ارزیابی کودکان ۱۰ تا ۱۵ ساله، طراحی شده است و دارای ۲۲ پرسش چهار گزینه‌ای کاملاً موافق (۴ نمره)، موافق (۳ نمره)، مخالف (۲ نمره) و کاملاً مخالف (۱ نمره) است. در هر سه مقیاس نمره بالاتر نشانه مشغله ذهنی، کناره‌گیری و ایمنی بیشتر است. در بررسی حاضر نمره آلفای کرونباخ برای مقیاس ایمنی ۰/۶۵ و مجموع دو مقیاس نایمنی ۰/۷۴ به دست آمد.

ج) پرسش‌نامه توانایی‌ها و مشکلات^۲ (SDQ): این پرسش‌نامه برای سنجش و سرند اختلال‌های روانپزشکی کودکان در جامعه کودکان چهار تا ۱۶ ساله انگلیسی (گودمن، ۱۹۹۷) ساخته شد که برای آموزگاران، پدران و مادران و خود کودکان قابل استفاده است. این مقیاس توانسته است در یک جمعیت ۷۹۸۴ نفری از کودکان پنج تا ۱۵ سال بریتانیایی، کودکان دارای تشخیص روانپزشکی را با دقت ۹۶/۶٪ و حساسیت ۶۳/۳٪ تشخیص دهد و توانسته است بیش از ۷۰٪ از کودکان دچار اختلال‌های سلوک، بیش‌فعالی و افسردگی را تشخیص دهد (گودمن، فورد، سیمونز و گینوار، ۲۰۰۰). فشرده و کوتاه بودن آن از مزیت‌های آن به شمار می‌رود. SDQ فرم واحدی برای آموزگاران و مادران و کودکان دارد. این

جدول ۱- ویژگی‌های توصیفی متغیرهای پژوهش (N=۴۱۳)

متغیر	میانگین	انحراف معیار	کمینه	بیشینه
ایمنی هیجانی	۲۳/۸۰	۲/۸۵	۱۱/۰۰	۲۸/۰۰
مجموع نایمنی هیجانی	۲۹/۵۰	۷/۵۵	۱۵/۰۰	۷۲/۰۰
ویژگی‌های تعارض	۵/۱۹	۱/۳۱	۱/۹۰	۸/۵۴
تفسیر تعارض	۸/۲۷	۳/۳۵	۲/۰۰	۱۶/۷۲
مجموع ارزیابی تعارض	۱۳/۴۷	۴/۲۰	۴/۳۳	۲۴/۸۱
نشانه‌های عاطفی	۱/۴۵	۰/۲۹	۱/۰۰	۲/۱۹
نشانه‌های رفتاری	۲/۲۳	۰/۴۵	۱/۳۱	۳/۶۶
مجموع نشانه‌های آسیب‌شناختی	۱۱/۶۴	۳/۶۳	۴/۰۰	۲۲/۵۵

1- disengagement 2- Strengths and Difficulties Questionnaire
3- Goodman
4- Diagnostic and Statistical Manual of Mental Disorders (4th. ed.)
5- International Classification of Diseases-tenth. Edition

جدول ۲- مانویس همبستگی کل متغیرهای پژوهش

متغیر	ایمنی هیجانی	مقایله هیجانی یا نایمنی	ویژگی‌های تعارض	تفسیر تعارض	کل ارزیابی تعارض	نشانه‌های عاطفی	نشانه‌های رفتاری
مقایله هیجانی یا نایمنی	-۰/۴۱**	۱	-	-	-	-	-
ویژگی‌های تعارض	-۰/۲۶**	۰/۴۷**	۱	-	-	-	-
تفسیر تعارض	-۰/۳۲**	۰/۵۱**	۰/۵۲**	۱	-	-	-
کل ارزیابی تعارض	-۰/۳۴**	۰/۵۵**	۰/۷۳**	۰/۹۶**	۱	-	-
نشانه‌های عاطفی	-۰/۱۲*	۰/۲۲**	۰/۱۲*	۰/۱۳**	۰/۱۴**	۱	-
نشانه‌های رفتاری	-۰/۰۷	۰/۱۹**	۰/۱۲*	۰/۱۱*	۰/۱۳**	۰/۳۹**	۱
کل نشانه‌های آسیب‌شناختی	-۰/۱۶**	۰/۳۶**	۰/۱۷**	۰/۱۲*	۰/۱۵**	۰/۴۶**	۰/۹۹**

* $p < 0.05$; ** $p < 0.01$

جدول ۴- شاخص‌های آماری و ضرایب متغیر ایمنی هیجانی در رگرسیون مربوط به ارزیابی تعارض

شاخص	ضریب B	ضریب بتا	t	خطای معیار
۱ ارزیابی تعارض	۰/۰۱	۰/۱۴	۳/۰۰۴*	۰/۰۰۳
ارزیابی تعارض	۰/۰۰۸	۰/۱۱	۲/۲۷**	۰/۰۰۴
۲ ایمنی هیجانی	۰/۰۰۶	-۰/۰۸	-۱/۶۲	۰/۰۰۰

متغیر ملاک: نشانه‌های عاطفی

* $p < 0.01$; ** $p < 0.05$

همان‌گونه که جدول ۴ نشان می‌دهد برای آزمون نقش واسطه‌ای ارزیابی تعارض در رابطه میان ایمنی هیجانی با مشکلات عاطفی کودک، معادله رگرسیون مربوط به رابطه میان ایمنی هیجانی با مشکلات عاطفی (با کنترل متغیر واسطه‌ای مفروض) به کار برده شد (بارون و کنی، ۱۹۸۶). نخست متغیر واسطه‌ای مفروض ارزیابی و سپس متغیر پیش‌بین ایمنی هیجانی وارد معادله شدند. همان‌گونه که در جدول دیده می‌شود، رابطه میان ایمنی هیجانی با ورود متغیر ارزیابی معنی‌دار نیست. به این ترتیب، فرضیه اول یا اثر ایمنی هیجانی خانواده بر ارزیابی کودک از تعارض والدین و از سوی دیگر نقش ارزیابی منفی تعارض به عنوان یک عامل واسطه‌ای و خطر در رابطه میان ایمنی هیجانی خانواده تنها با نشانه‌های عاطفی کودک مورد تأیید قرار گرفت.

برای آزمون فرضیه دوم نیز، نخست سه شرط لازم برای بررسی نقش واسطه‌ای مقایله هیجان‌مدار کودک با نایمنی در خانواده در رابطه میان ارزیابی کودک از تعارض والدین با مشکلات آسیب‌شناختی کودک در سه معادله رگرسیون استاندارد بررسی گردید. نتایج تحلیل

نخست سه شرط لازم برای بررسی نقش واسطه‌ای احتمالی ارزیابی شناختی کودک از تعارض والدین در رابطه میان ایمنی هیجانی کودک در خانواده با مشکلات کودک بررسی شدند و پس از آن معادله رگرسیون مربوط به نقش واسطه‌ای انجام شد. نتایج تحلیل‌های رگرسیون استاندارد نشان دادند که ارزیابی شناختی منفی کودک از تعارض والدین پیش‌بینی‌کننده نشانه‌های عاطفی کودک است ($\beta = 0.14$, $p < 0.01$)، هم‌چنین ایمنی هیجانی کودک در خانواده پیش‌بینی‌کننده نشانه‌های هیجانی کودک است ($\beta = 0.12$, $p < 0.05$). افزون بر این، ایمنی هیجانی کودک در خانواده پیش‌بینی‌کننده ارزیابی شناختی منفی کودک از تعارض والدین به صورت معکوس می‌باشد ($\beta = -0.34$, $p < 0.001$)، یعنی هر چه احساس ایمنی هیجانی کودک در خانواده بیشتر باشد، ارزیابی شناختی منفی کودک از تعارض والدین کمتر است.

با توجه به تأیید پیش شرط‌های لازم برای بررسی نقش واسطه‌ای، معادله چهارم به کمک تحلیل رگرسیون سلسله مراتبی برای آزمون میانجی‌گری انجام شد که نتایج آن در جدول‌های ۳ و ۴ دیده می‌شود.

جدول ۳- خلاصه شاخص‌های آماری و نتایج معنی‌داری رگرسیون مربوط به نقش واسطه‌ای ارزیابی کودک از تعارض والدین در رابطه بین ایمنی هیجانی کودک در خانواده با نشانه‌های عاطفی کودک

الگو	df	F	R	خطای برآورد
۱ رگرسیون	۱	۹/۰۲**	۰/۱۴	۰/۲۹
۲ رگرسیون	۲	۵/۸۴*	۰/۱۶	۰/۲۹

۱- متغیر پیش‌بین: ارزیابی تعارض؛ ۲- متغیرهای پیش‌بین: ارزیابی تعارض، ایمنی هیجانی؛ متغیر ملاک: نشانه‌های عاطفی

* $p < 0.05$; ** $p < 0.01$

ارزیابی کودک از تعارض والدین با نشانه‌های آسیب‌شناختی کودک انجام شد (جدول‌های ۵ و ۶).

همان‌گونه که در جدول ۶ دیده می‌شود، با وارد کردن دو متغیر پیش‌بین، به ترتیب مقابله هیجان‌مدار و ارزیابی تعارض، رابطه میان ارزیابی تعارض با مشکلات آسیب‌شناختی معنی‌دار نیست. به این ترتیب فرضیه دوم پژوهش، یعنی نقش واسطه‌ای راهکارهای مقابله هیجان‌مدار کودک با نایمنی در خانواده، در رابطه میان ارزیابی تعارض و نشانه‌های آسیب‌شناختی کودک نیز تأیید شد.

برای سنجش نقش تعاملی نایمنی هیجانی و ارزیابی شناختی منفی کودک از تعارض والدین در نشانه‌های آسیب‌شناختی کودک تحلیل رگرسیون به کار برده شد که نتایج از نظر آماری معنی‌دار بود (جدول‌های ۷ و ۸).

رگرسیون استاندارد نشان دادند که ارزیابی شناختی منفی کودک از تعارض والدین، پیش‌بینی‌کننده مستقیم راهکارهای مقابله هیجان‌مدار کودک با نایمنی در خانواده است ($\beta = 0.55, p < 0.001$)، هم‌چنین مقابله هیجان‌مدار کودک با نایمنی در خانواده نیز پیش‌بینی‌کننده مستقیم نشانه‌های آسیب‌شناختی کودک می‌باشد ($\beta = 0.26, p < 0.001$)، افزون بر این ارزیابی شناختی منفی کودک از تعارض والدین پیش‌بینی‌کننده مستقیم نشانه‌های آسیب‌شناختی کودک است ($p < 0.01$)، $\beta = 0.15$. به این ترتیب سه شرط لازم برای ورود به آزمون واسطه‌ای مورد تأیید قرار گرفت و معادله چهارم به کمک تحلیل رگرسیون سلسله‌مراتبی و با کنترل متغیر واسطه‌ای مفروض مقابله هیجان‌مدار کودک در رابطه بین

جدول ۵- خلاصه شاخص‌های آماری و نتایج معنی‌داری رگرسیون مربوط به نقش واسطه‌ای مقابله هیجان‌مدار کودک با نایمنی در خانواده، در رابطه بین ارزیابی منفی کودک از تعارض والدین با نشانه‌های آسیب‌شناختی کودک

الگو	df	F	سطح معنی‌داری	R	R ²	خطای برآورد
۱ رگرسیون	۱	۳۰/۵۱	۰/۰۰۱	۰/۲۶	۰/۰۶	۳/۵۰
۲ رگرسیون	۲	۱۵/۲۲	۰/۰۰۱	۰/۲۶	۰/۰۶	۳/۵۱

۱- متغیر پیش‌بین: مقابله هیجان‌مدار؛ ۲- متغیرهای پیش‌بین: مقابله هیجان‌مدار، ارزیابی تعارض؛ متغیر ملاک: نشانه‌های آسیب‌شناختی

جدول ۶- شاخص‌های آماری و ضرایب متغیر ارزیابی منفی تعارض در رگرسیون مربوط به مقابله هیجان‌مدار کودک با نایمنی

شاخص	ضریب B	ضریب بتا	t	سطح معنی‌داری	خطای معیار
۱ مقابله هیجان‌مدار	۰/۱۲	۰/۲۶	۵/۵۲	۰/۰۰۱	۰/۰۲
مقابله هیجان‌مدار	۰/۱۲	۰/۲۶	۴/۵۱	۰/۰۰۱	۰/۰۲
۲ ارزیابی تعارض	۰/۰۰۶	۰/۰۰۷	۰/۱۲	* N.S.	۰/۰۵

متغیر ملاک: نشانه‌های آسیب‌شناختی

* non-significant

جدول ۷- خلاصه شاخص‌های آماری و نتایج معنی‌داری رگرسیون مربوط به نقش تعاملی ارزیابی کودک از ویژگی‌های تعارض والدین و نایمنی هیجانی در خانواده در نشانه‌های رفتاری کودک

الگو	df	F	سطح معنی‌داری	R	R ²	خطای برآورد
۱ رگرسیون	۲	۷/۹۵	۰/۰۰۱	۰/۱۹	۰/۰۴	۰/۴۴
۲ رگرسیون	۳	۶/۹۱	۰/۰۰۱	۰/۲۲	۰/۰۵	۰/۴۴

۱- متغیرهای پیش‌بین: نایمنی هیجانی، ارزیابی ویژگی‌های تعارض؛ ۲- متغیرهای پیش‌بین: نایمنی

هیجانی × ارزیابی ویژگی‌های تعارض؛ متغیر ملاک: نشانه‌های رفتاری

جدول ۸- شاخص‌های آماری و ضرایب رگرسیون مربوط به نقش تعاملی ارزیابی ویژگی‌های تعارض و نایمینی هیجانی در نشانه‌های رفتاری کودک

شاخص	ضریب B	ضریب بتا	t	خطای معیار
نایمینی هیجانی	۰/۰۳	۰/۶۰	*۲/۹۲	۰/۰۱
ارزیابی ویژگی‌های تعارض	۰/۱۵	۰/۴۴	**۲/۲۷	۰/۰۶
نایمینی هیجانی × ارزیابی ویژگی‌های تعارض	۰/۰۰۵	۰/۷۲	**۲/۱۶	۰/۰۰۲

متغیر ملاک: نشانه‌های رفتاری

* $p < 0.05$; ** $p < 0.01$

همان گونه که جدول ۸ نشان می‌دهد، از میان متغیرهای این پژوهش، تنها نقش تعاملی نایمینی هیجانی در خانواده و ارزیابی شناختی منفی کودک از ویژگی‌های تعارض والدین به عنوان دو عامل خطر محیطی و فردی، در پیش‌بینی نشانه‌های رفتاری کودک مورد تأیید قرار گرفت.

بحث

هدف این بررسی، توضیح سازوکارهای تأثیر تعارض والدین بر برون داده‌های هیجانی و رفتاری کودکان بود. در این پژوهش، هر دو فرضیه تأیید گردیدند. فرضیه نخست این نکته را مطرح نمود که ایمنی هیجانی کودک در خانواده به عنوان یک عامل مبتنی بر بافت بر ارزیابی شناختی منفی کودکان از تعارض والدین اثر معکوس دارد؛ یعنی با افزایش ایمنی هیجانی، ارزیابی منفی از تعارض والدین کاهش می‌یابد و از سوی دیگر ارزیابی تعارض نیز می‌تواند به عنوان یک عامل خطر اثر معکوس ایمنی هیجانی بر مشکلات کودکان را خنثی یا کم کند. همان گونه که نتایج تحلیل رگرسیون نشان دادند، با وارد کردن ارزیابی تعارض در معادله رگرسیون به عنوان متغیر واسطه‌ای، در رابطه میان ایمنی هیجانی و مشکلات عاطفی کودک، این رابطه معنی‌داری خود را از دست می‌دهد. این یافته، هم‌سو با فرضیه فوسکو و گریچ (۲۰۰۷) در الگوی چارچوب شناختی مبتنی بر بافت است که جو هیجانی خانواده^۱ را به عنوان یکی از عوامل زمینه‌ای تأثیرگذار بر ارزیابی‌های کودکان از تعارضات والدین در نظر می‌گیرند و از سوی دیگر، بر این باورند که تفسیرهای کودکان از تعارضات میان پدر و مادر، نقش مرکزی و مهمی در تعیین اثر تعارض بر سازگاری آنها دارد. با این وجود، فوسکو و گریچ (همان‌جا) باور دارند که نقش عوامل زمینه‌ای و بافتی دیگر هم‌چون ویژگی‌های هیجانی کل واحد خانواده تا کنون ناشناخته بوده است. آیزنبرگ^۲ و همکاران (۲۰۰۳) نشان دادند

روشی که والدین هیجان‌های خود را ابراز می‌کنند، نقش بزرگی در شکل‌گیری وضعیت عاطفی خانواده دارد. از سوی دیگر این یافته هماهنگ با دیدگاه راتر (۱۹۹۷) در زمینه عوامل خطر و محافظ است که می‌توانند اثرات یکدیگر را خنثی کنند و از منابع گوناگون درونی و بیرونی بر سازگاری فرد اثر بگذارند. بررسی پیشینه پژوهش در این زمینه نشان داد که بین عوامل خطر و افزایش مشکلات هیجانی و رفتاری در نوجوانان رابطه وجود دارد (وفایی و روشن، ۱۳۸۵).

بررسی حاضر نشان داد که محیط امن عاطفی خانواده به عنوان یک عامل نگهدارنده خانوادگی، در کاهش مشکلات هیجانی کودکان در بافت کشمکش‌های والدین نقش دارد، ولی ارزیابی منفی کودک از کشمکش‌های پدر و مادر به عنوان یک عامل خطر درونی این تأثیر را از میان می‌برد.

یافته دیگر این پژوهش، تأیید فرضیه دوم یا نقش واسطه‌ای مقابله هیجان‌مدار کودک با نایمینی در خانواده، در رابطه میان ارزیابی منفی کودک از کشمکش‌های پدر و مادر با نشانه‌های آسیب‌شناختی کودک است. به بیان دیگر رابطه معنی‌دار میان ارزیابی کشمکش و نشانه‌های آسیب‌شناختی کودک، پس از وارد کردن متغیر مقابله هیجانی که به عنوان متغیر واسطه‌ای فرض شده بود، دیگر معنی‌دار نبود؛ ولی رابطه میان مقابله هیجانی و نشانه‌های آسیب‌شناختی کودک همچنان معنی‌دار بود. فرضیه دوم، این ایده را گسترش می‌دهد که ارزیابی کشمکش می‌تواند پیش‌بینی‌کننده مقابله هیجانی ناکارآمد کودک باشد. به بیان دیگر، ادراک کودکان از تعارضات میان والدین می‌تواند به کمک راهکارهای مقابله هیجان‌مدار کودک با نایمینی در خانواده، افزایش نشانه‌های آسیب‌شناختی کودکان را در پی داشته باشد. تأیید این نظریه در بررسی حاضر هم‌سو با نظریه لازاروس و فولکمن (۱۹۸۹)

یکی از محدودیت‌های این پژوهش انجام آن روی یک گروه سنی است که نتایج آن را تنها برای همان گروه سنی قابل تعمیم می‌کند. از این رو انجام این پژوهش بر روی سایر گروه‌های سنی و مقایسه نتایج این گروه‌ها با هم در بررسی‌های آینده پیشنهاد می‌شود. محدودیت دیگر بررسی حاضر به کارنبردن آزمون‌های هنجاریابی شده ارزیابی مشکلات کودک برای جامعه ایرانی است.

برای درک بهتر روابط میان این متغیرها و گسترش الگوهای نظری برای درک چگونگی تأثیر کشمکش‌های خانواده بر کودکان، به بررسی‌های بیشتر در این زمینه و کشف عوامل خطر و فرآیندهای واسطه‌ای دیگری در این روابط (هم‌چون خلق و شخصیت کودک، رابطه والد-کودک و رفتارهای فرزندپروری والدین) نیاز است.

شناخت هر چه بیشتر عوامل خطر و محافظ خانوادگی و سازوکار اثر آنها، می‌تواند در برنامه‌ریزی‌های مداخله‌ای، برای کاهش نشانه‌های آسیب‌شناختی کودکان یا محافظت از آنها در برابر عوامل خطر خانوادگی به کار گرفته شود.

سپاسگزاری

از مدیران مدارس، آموزگاران، مادران و دانش‌آموزان عزیزی که در این پژوهش همکاری نموده‌اند، صمیمانه تشکر و قدردانی می‌شود.

منابع

وفاقی، مریم؛ روشن، مریم (۱۳۸۵). بررسی رابطه عوامل پیش‌بینی‌کننده خطر و محافظ خانواده با توانمندی‌ها و اختلال‌های عاطفی-رفتاری نوجوانان. *روانشناسی معاصر*، سال یکم، شماره ۲، ۴-۱۷.

Baron, R. M., & Kenny, D. A. (1986). The moderator-mediator variable distinction in social psychological research: Conceptual, strategic and statistical considerations. *Journal of Personality and Social Psychology*, 51, 1173-1182.

Bowlby, J. (1969). *Attachment and loss*. Penguin: Harmondsworth.

Bronfenbrenner, U. (1995). The bioecological model from a life course perspective: Relations of the participant observer. In P. Moen, G. H. Elder, & K. Luscher (Eds.), *Examining lives in context*. Washington, DC: American Psychological Association.

است. نظریه شناختی استرس لازاروس (همان‌جا) تا کنون تنها به‌عنوان الگویی برای ارزیابی استرس در بزرگسالان به کار برده شده است. یافته بررسی حاضر هم‌سو با یافته‌های کومپاس^۱، مالکارن^۲ و فونداکارو^۳ (۱۹۸۸) در زمینه رابطه میان استفاده کودکان از راهکارهای مقابله هیجان‌مدار در رویارویی با عوامل استرس‌زا، سطوح بالای مشکلات رفتاری، افسردگی و اضطراب در کودکان است.

یک ویژگی مهم پژوهش حاضر بررسی نقش واسطه‌ای و تعدیل‌کنندگی ارزیابی تعارض و ایمنی هیجانی در نشانه‌های آسیب‌شناسی کودکان است. فرضیه تعدیل‌کنندگی را می‌توان با تحلیل‌های رگرسیون و وارد کردن متغیرهای مستقل و تعدیل‌کننده مفروض به معادله رگرسیون، سنجید و چنان‌چه تعامل این دو متغیر معنی‌دار باشد، نقش تعدیل‌کنندگی نیز معنی‌دار خواهد بود (گریج و همکاران، ۲۰۰۰). در پژوهش حاضر، نقش تعاملی متغیرهای ارزیابی ویژگی‌های کشمکش و نایمنی هیجانی، تنها در مشکلات رفتاری کودکان تأیید گردید. پیش از این، تا جایی که می‌دانیم، تنها در یک بررسی (کریگ^۴، ۱۹۹۸؛ گریج و همکاران، ۲۰۰۰) به مقایسه فرضیه‌های واسطه‌ای و تعدیل‌کنندگی در یک گروه از داده‌ها پرداخته شده است. هم‌چنین، تنها در بررسی‌های کمی نقش تعدیل‌کنندگی مقابله کودک با تعارض زناشویی بررسی شده است (نیکولوتی^۵، ال-شیخ و ویتسون^۶، ۲۰۰۳) که نقش تعاملی تعارض زناشویی و مقابله اجتنابی کودک را به‌عنوان عوامل خطر در بروز نشانه‌های عاطفی و رفتاری کودکان بررسی نموده‌اند. یافته‌های این بررسی تأیید کننده نقش تعاملی ارزیابی منفی کودک از ویژگی‌های تعارض والدین و نایمنی هیجانی در خانواده به‌عنوان دو عامل خطر فردی و محیطی، در مشکلات رفتاری کودکان است.

فوسکو و گریج (۲۰۰۷) بر این باورند که گسترش الگوهایی که به ما در درک چگونگی پدید آمدن مشکلات ویژه سازگاری کودکان و دلایل پاسخ‌های متفاوت کودکان به کشمکش‌های والدین کمک می‌کنند، بسیار مهم است. بررسی چگونگی شناخت و هیجان در پیوند با هم، بر اثرات کوتاه‌مدت و بلندمدت تعارض بر کودک تأثیر می‌گذارد و انجام بررسی‌های طولی در زمینه روابط میان این ساخت‌ها (پیشین، واسطه و ملاک) برای پژوهش‌های آینده پیشنهاد می‌شود.

- Coie, J. D., Watt, N. F., West, S. G., Hawkins, J. D., Asamow, J. R., Marlman, H. J., Ramey, S. L., Shure, M. B., & Long, B. (1993). The science of prevention: A conceptual framework and some directions for a national research program. *American Psychologist*, 48, 1013-1022.
- Compass, B. E., Malcarne, V. L., & Fondacaro, K. M. (1988). Coping with stressful events in older children and young adolescents. *Journal of Consulting and Clinical Psychology*, 56, 405-411.
- Coon, H., Carey, G., Corley, R., & Fulker, D. W. (1992). Identifying children in the Colorado adoption project at risk for conduct disorder. *Journal of the American Child and Adolescent Psychiatry*, 31, 503-511.
- Cummings, E. M., Davies, P. T., & Campbell, S. B. (2000). *Developmental psychopathology and family process: Theory, research, and clinical implications*. New York: Guilford Publications, Inc.
- Cummings, E. M., Kouros, C. D., & Papp, L. M. (2007). Marital aggression and children's responses to everyday interparental conflict. *European Psychologist*, 12, 17-28.
- Davies, P. T., & Cummings, E. M. (1998). Exploring children's emotional security as a mediator of the link between marital relations and child adjustment. *Child Development*, 69, 124-139.
- Davies, P. T., & Cummings, E. M. (1994). Marital conflict and child adjustment: An emotional security hypothesis. *Psychological Bulletin*, 116, 387-411.
- Eisenberg, N., Valiente, C., Morris, A. S., Fabes, R. A., Cumberland, A., & Reiser, M. (2003). Longitudinal relations among parental emotional expressivity, children's regulation, and quality of socioeconomical functioning. *Developmental Psychology*, 39, 3-19.
- El-Sheikh, M., Buckhalt, J. A., Mize, J., & Acebo, C. (2006). Marital conflict and disruption of children's sleep. *Child Development*, 77, 31-43.
- El-Sheikh, M., Buckhalt, J. A., Keller, P. S., Cummings, E. M., & Acebo, C. (2007). Child emotional insecurity and academic achievement: The role of sleep disruptions. *Journal of Family Psychology*, 21, 29-38.
- Emery, R. E., Fincham, F. D., & Cummings, E. M. (1992). Parenting in context: Systemic thinking about parental conflict and its influence on children. *Journal of Consulting and Clinical Psychology*, 60, 909-912.
- Forman, E. M., & Davies, P. T. (2005). Assessing children's appraisals of security in the family system: The development of the Security In the Family System (SIFS) Scale. *Journal of Child Psychology and Psychiatry*, 46, 900-916.
- Fosco, G. M., & Grych, J. H. (2007). Emotional expression in the family as a context for children's appraisals of interparental conflict. *Journal of Family Psychology*, 21, 248-258.
- Goodman, R. (1997). The Strengths and Difficulties Questionnaire: Research note. *Journal of Child Psychology and Psychiatry* 38, 581-586.
- Goodman, R., Ford, T., Simmons, H., & Gatward, R. (2000). Using the Strengths and Difficulties Questionnaire (SDQ) to screen for child psychiatric disorders in a community sample. *British Journal of Psychiatry*, 177, 534-539.
- Grych, J. H., Harold, G. T., & Miles, C. J. (2003). A prospective investigation of appraisals as mediators of the link between interparental conflict and child adjustment. *Child Development*, 74, 1176-1193.
- Grych, J., & Fincham, F. (1990). Marital conflict and children's adjustment: A cognitive-contextual framework. *Psychological Bulletin*, 108, 267-290.
- Grych, J. H., Seid, M., & Fincham, F. D. (1992). Assessing marital conflict from the child's perspective: The Children's Perception of Interparental Conflict Scale. *Child Development*, 63, 558-572.
- Grych, J. H., Fincham, F. D., Jouriles, E. N., & McDonald, R. (2000). Interparental conflict and child adjustment: Testing the mediational role of appraisals in the cognitive-contextual framework. *Child Development*, 71, 1648-1661.
- Holmbeck, G. N. (1997). Toward terminological, conceptual, and statistical clarity in the study of mediators and moderators; examples from the child-clinical and pediatric psychology literatures. *Journal of Consulting and Clinical Psychology*, 65, 599-610.
- Judd, C. M., & Kenny, D. A. (1981). Process analysis: Estimating mediation in evaluation research. *Evaluation Research*, 5, 602-619.
- Kerig, P. K. (1998). Moderators and mediators of the effects of interparental conflict on children's adjustment.

- Journal of Abnormal Child Psychology*, 26, 199-212.
- Lazarus, R. S., & Folkman, S. (1989). *Stress, appraisal and coping*. New York: Guilford.
- Lazarus, R. S., & Launier, R. (1978). Stress-related transactions between person and environment. In L. A. Pervin & M. Lewis (Eds.), *Perspectives in interactional psychology*. New York: Plenum.
- Maziade, M., Caron, C., Cote, R., Merette, C., Bemiaer, H., & Laplante, B. (1990). Psychiatric status of adolescents who had extreme temperament at age 7. *American Journal of Psychiatry*, 147, 1531- 1536.
- Mikulincer, M., Florian, V., Cowan, P. A., & Cowan, C. P. (2002). Attachment security in couple relationships: A systemic model and its implications for family dynamics. *Family Process*, 41, 405-434.
- Nicolotti, L., El-Sheikh, M., & Whitson, S. M. (2003). Children's coping with marital conflict and their adjustment and physical health: Vulnerability and protective functions. *Journal of Family Psychology*, 17, 315-326.
- Resnick, M. D., Ireland, M., & Borowsky, I. (2004). Youth violence perception: What protects? What predicts? Findings from a national longitudinal study of adolescent health. *Journal of Adolescent Health*, 35, 402-418.
- Rutter, M. (1997). Protect factors: Independent or interactive? *Journal of American Academy of Child & Adolescence Psychiatry*, 30, 151-155.
- Sameroff, A. (1975). Transactional models of early social relations. *Human Development*, 18, 65-79.